

۱۴۳۵/۰۱

## دست نوشته های یک مرده

نویسنده: میخائیل بولگاکف  
ترجمه: فهیمه توژنده جالی



کتابسرای تندیس



سرشناسه: بولگاکف، میخائیل آفاناسویچ، Bulgakov, Mikhail Afanas'evich ۱۸۹۱-۱۹۴۰ م.  
 عنوان و نام پدیدآور: دست نوشته های یک مرده/ نویسنده میخائیل بولگاکف؛ ترجمه فهیمه توزنده جانی.  
 مشخصات نشر: تهران: کتابسرای تندیس، ۱۳۹۰.  
 مشخصات ظاهری: ۲۳۰ ص.  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۰۱۰-۶  
 وضعیت فهرست نویسی: فایا  
 موضوع: داستان های روسی -- قرن ۱۹ م.  
 شناسه افزوده: توزنده جانی، فهیمه، ۱۳۶۱-، مترجم  
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۴۸۵۵ ب/ PG۳۳۹۶  
 رده بندی دیویی: ۸۹۱/۷۳۳  
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۲۱۳۲۹  
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

www.ketab.ir



دست نوشته های یک مرده  
 نویسنده: میخائیل بولگاکف  
 مترجم: فهیمه توزنده جانی  
 چاپ پنجم: تابستان ۱۴۰۲  
 شمارگان: ۳۰۰  
 چاپ: غزال  
 صحافی: کیمیا  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۰۱۰-۶  
 قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

دفتر: تهران، خیابان ولی عصر، نرسیده به خیابان استاد مطهری، خیابان حسینی راد، پلاک ۱۰ واحد ۲  
 کتابفروشی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، نرسیده به خیابان استاد مطهری، شماره ۱۹۷۷  
 تلفن: ۰۲۱۸۸۸۹۲۹۱۷ - ۰۲۱۸۸۹۱۳۸۷۹  
 www.tandispub.com

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## مقدمه مترجم

منتقدان و نویسندگان بسیاری بولگاکف را همواره یک نابغه ادبی معرفی کردند. رمان «دست نوشته‌های یک مرده» که اکنون در پیش روی خوانندگان محترم است نیز نشانی از همین نبوغ است. بولگاکف کار بر روی این رمان را در سال ۱۹۳۰ بعد از اتمام سانسور بر نمایشنامه‌اش با عنوان «عبادت نمای زیر یوغ» و درگیری‌هایش با تئاتر آغاز کرد و در طول نوشتن آن جدالی جدی با سرگئویچ استانیسلاوسکی در جریان همان نمایشنامه داشت. او با یک وقفه طولانی در سال ۱۹۳۶ مجدداً کار بر روی رمانش را از سر می‌گیرد. بولگاکف در یادداشت‌های شخصی‌اش دو نام «دست نوشته‌های یک مرده» و «رمان تئاتری» را اتخاذ کرده بود که به عقیده اغلب پژوهشگران عنوان اصلی آن «دست نوشته‌های یک مرده» و دیگری عنوان فرعی می‌باشد که به دلیل جریان اصلی داستان یعنی درگیری ماکسودوف شخصیت اصلی با تئاتر مستقل بعدها توسط بولگاکف انتخاب شده است. این رمان منحصر به فرد با طنز حزن‌انگیزش، با قلمی توانا، زبانی سلیس، نیش‌دار و طنزآلود خفقان حاکم بر فضای فرهنگی و هنری زمانه‌ای را نشان می‌دهد که

دست‌نوشته‌های یک مرده بولگاف را به دفعات در زیر چنگال‌های محدودیت‌ها می‌فشارد. فضای اعمال محدودیت‌های حاکمیت که همواره در طول تاریخ ابتدا هنر و فضای خلاقانه نوشتار را نشانه رفته است، در این رمان با زبانی ساده اما پر کنایه و مغزدار به تصویر کشیده شده است. بولگاف با به کار بردن نام‌های استعاری، دنیایی واقعی تئاتر و ادبیات روسیه را نقد می‌کند و از طریق شخصیت اصلی داستان دیدگاه خود را نسبت به بالاترین جز این مجموع تا پایین‌ترین آن بیان می‌کند و حتی با نقد روش‌های آموزشی ایوان واسیلویچ در داستان در حقیقت روش‌های استانیسلاوسکی را که در آن برهه با آن درگیر بوده است را نقد می‌کند. فضاهای طنزآلود رمانش نیز تا حدود زیادی به نمایشنامه «عبادت نمای زیر یوغ» مربوط می‌شود و حتی شخصیت اصلی نمایشنامه «برف سیاه» یعنی باختین نیز نمادی از دوست ادبیات‌شناس برجسته‌اش است که با چند سطر کوتاه دیالوگ‌ها و درگیری‌های واسیلویچ با شخصیت باختین از زبان او نیز سخن می‌گوید و تلاش می‌کند تا نشان دهد در دنیای واقع آن چه در حال رخ دادن است ره به جایی نمی‌برد مگر تجدیدنظر کلی بر آن شود. وی با زیبایی بر حق دانستن روابط و ضوابط و مصلحت بر حقیقت را به رخ می‌کشد و دل‌مردگی و یأس هنرمند در این فضا را چنان مانوس به تصویر می‌کشد.

بولگاف که خود در آن زمان دچار این یأس و ناامیدی است و با آن چه در رمانش آورده تنگاتنگ درگیر، تلاش می‌کند تا به گونه‌ای با زبان استعاره و طنز حقیقت را بیان کند اما متأسفانه مرگ به او مجال این را نمی‌دهد که رمانش را پایان دهد و او رمان را با جمله‌ی «بازی بازیگران می‌بایست طوری باشد که تماشاگر فراموش کند که در مقابلش سنی وجود دارد...» ناتمام رها می‌کند تا همچون بسیاری از بزرگان دنیای حقیقت ماحصل زحماتش بعد از مرگ وی توسط همسرش به چاپ برسد.

هرچند که بولگاف رمان را در حدود نیم قرن پیش رقم می‌زند اما فضای داستانش چنان زنده و مانوس است که تاکنون نیز توانسته تأثیر خود را بر مخاطب بگذارد و این نشانگر این است که راه بولگاف‌ها شاید سخت اما همواره پاینده خواهد بود.